



ایران و روابط با افغانستان پس از توافق هسته‌ای

## دوره‌ای جدید برای تعامل سازنده؟

انتظار می‌رود که پیامد توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌های ایران، چه دگرگونی‌ای در روابط با افغانستان ایجاد کند؟ این گشایش را می‌توان به پیروزی قدرت نرم و مدلی برای دیپلماسی، اصلاحات و اعتدال تعبیر نمود.

### خلاصه مدیریتی

انتظار می‌رود که پیامد توافق هسته‌ای و لغو تحریم‌های ایران، چه دگرگونی‌ای در روابط با افغانستان ایجاد کند؟ این گشایش را می‌توان به پیروزی قدرت نرم و مدلی برای دیپلماسی، اصلاحات و اعتدال تعبیر نمود. مقاله حاضر هشدار می‌دهد که ایران برای به دست آوردن جایگاه مناسب در مقام همسایه‌ای قدرتمند و نیک‌خواه که می‌تواند عامل و اشاعه‌دهنده صلح در منطقه باشد، بر حسب لزوم باید از مشکلات و دشواری‌های خاصی اجتناب ورزد.

تغییرات داخلی: یک شکل از حکومت عمل‌گرایانه‌تر. توافق هسته‌ای برای رئیس‌جمهور روحانی، ابزار و توانایی لازم برای اتخاذ جایگاهی عمل‌گرایانه‌تر در داخل و خارج را فراهم نمود. سیاست خارجی عمل‌گرایانه‌تر، و کمتر ایدئولوژیک، می‌تواند ایران را به افغانستان نزدیک‌تر کند. با این همه، دولت‌های هر دو کشور با وظیفه خطیر مدرنیزاسیون نظام‌های دموکراسی اسلامی و بازسازی اعتماد دولت-ملت به واسطه ایجاد انگیزه برای مشارکت در جامعه مدنی، توانمندسازی و مشارکت جوانان، تقویت نظام‌های پارلمانی و گسترش نقش احزاب سیاسی، مواجه هستند. ایران برای برخورداری از حرکتی مثبت و تصویری موجه در افغانستان، می‌تواند از هرگونه علاقه به مأمنی برای انتقال ایدئولوژی سیاسی به افغانستان جلوگیری کند، و بیگانه‌هراسی و احساسات ضدافغانی را که در پی آن می‌آید، فرونشاند.

فرصت‌های اقتصادی گسترش یافته است. روابط مستحکم اقتصادی بین ایران و افغانستان انتظار می‌رود که در آینده نزدیک گسترش بیشتری پیدا کند. ایران یکی از بزرگ‌ترین شرکای تجاری افغانستان است و در حال حاضر صادرکننده اصلی برق به این کشور محسوب می‌شود. نیاز به تلاشی هماهنگ برای حفظ حرکت هم در بعد کمی و هم کیفی تجارت میان دو کشور، گسترش یافته است. ایران امیدوار است که افغانستان را در طرح‌های انتقال سالانه ۸۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی به کشورهای آسیایی و اروپایی تا سال ۲۰۲۵ مشارکت دهد و در عین حال برای ارتقای صادرات غیرنفتی به این کشور برنامه‌ریزی کند. انتظار می‌رود در طرح‌های جدید بازارچه‌های مرزی در افزایش سرمایه‌گذاری در خطوط تولیدی صنایع متوسط و کوچک افغانستان نقش مؤثری ایفا کنند. لغو تحریم‌ها، به توافق‌نامه چابهار بین ایران، هند و افغانستان منتهی شد. این بندر به هند و سایر کشورها اجازه می‌دهد که به بازارهای افغانستان و آسیای مرکزی از طریق دور زدن پاکستان دسترسی داشته باشند و مسیری تجاری بین افغانستان و آسیای مرکزی با اروپا

و خاورمیانه مهیا می‌کند. فرصت‌های دیگری در پروژه‌های زیربنایی، مانند ساخت راه‌آهن مواصلاتی هرات به خواف که قرار است در سال ۲۰۱۶ به پایان برسد و تحقق پروژه توسعه خط ساحلی جنوب شرقی ایران (مکران)، که به سود توسعه اقتصادی در افغانستان خواهد بود، نیز وجود دارد.

تنش‌های آبی حل نشده. تشریک مساعی پایدار میان ایران و افغانستان برای حل منازعات آب بر سر تقسیم رودخانه هلمند مورد نیاز است. مشکلات محیط‌زیستی در این منطقه فقط محدود به کم‌آبی در ایران نخواهد شد و اثرات آن بر کل اکوسیستم منطقه مسائلی برای افغانستان هم ایجاد خواهد کرد. دوران پساتوافق هسته‌ای فرصت مناسبی جهت آغاز مذاکرات سازنده در مورد تقسیم آب به گونه‌ای که نیاز هر دو کشور را برطرف سازد در اختیار می‌گذارد.

تضمین‌های امنیتی. فرصت‌هایی برای تعامل سازنده ایران جهت حل تهدیدات امنیتی مهم در منطقه، مانند تجارت فراملی غیرقانونی و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز وجود دارد. ایران به‌طور بالقوه می‌تواند در سازوکارهای منطقه‌ای مانند کنترل مرزی و تبادل اطلاعات برای جلوگیری از تجارت غیرقانونی فراملی، به ویژه قاچاق مواد مخدر، فعالانه‌تر مشارکت کند. ایران قابلیت آن را دارد که به واسطه ارائه مدل‌های جایگزین از اسلام متساهل، نیرویی برای مبارزه با افراط‌گرایی ایدئولوژیکی و مذهبی در منطقه باشد. ایران می‌تواند گفتمان مدارا، احترام متقابل و تفاهم بین‌المذاهب در میان جوامع شیعه و سنی، تأکید بر اصلاح و انطباق در اسلام و برجسته‌ساختن مدارا را احیا کرده و با قدرت بیشتری پیش ببرد. شعار اعتدال رئیس‌جمهور روحانی و ابتکار عمل پیشنهادی ایشان به سازمان ملل متحد مبنی بر جهان علیه خشونت و افراطی‌گری<sup>[۱]</sup>، از ابتکارات ارزشمندی هستند که شایان توجه بیشتری است. ایران در عین حال باید مراقب باشد که افغانستان و منطقه را در مشکلات خاص خود با عربستان درگیر نکند.

احیای فرهنگی. احیای قدرت نرم ایران می‌تواند برپایه ایران پارس<sup>[۲]</sup> به‌عنوان هویتی تمدنی استوار شود. احیای میراث مشترک فرهنگی منطقه‌ای را که در گذشته با عنوان خراسان بزرگ شناخته می‌شد می‌توان در تقابل با تداعی نام خراسان کنونی با استان جعلی‌ای که داعش در افغانستان سودای آن را در سر می‌پروراند، مطرح نمود. احیای وجه فرهنگی مشترک صلح‌آمیز در این منطقه نیازمند همفکری کشورهای منطقه برای سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش مدرن، فرهنگ، و پروژه‌های مربوط به فن‌آوری در این محدوده جغرافیایی است. ایران با توجه به علاقه به مهار ایدئولوژی تکفیری و افراط‌گرایی در افغانستان، باید بیشتر در توسعه یک نظام آموزشی مدرن و سکولار در افغانستان، در تمامی سطوح، مشارکت کند و همچنین می‌تواند به افغانستانی‌ها در دانشگاه‌های ایران کمک هزینه تحصیلی ارائه نماید.

همکاری با غرب. لغو تحریم‌های غرب در نهایت معاملات بیشتر با جامعه بین‌المللی در افغانستان را تشویق می‌کند. ایران در جبهه اقتصادی، از طریق سازوکارهای چندجانبه، بهتر می‌تواند پروژه‌های کمک به توسعه‌اش را هماهنگ کند. ایران در زمینه امنیتی، با توجه به این که پس از توافق هسته‌ای کم‌تر احساس تهدید می‌کند، در موقعیت بهتری برای همکاری‌های دوجانبه و بین‌المللی با کشورهای غربی در راستای مهار و شکست افراط‌گرایی در افغانستان یا خاورمیانه قرار دارد.

لغو تحریم‌های ایران فرصت‌های بسیاری برای ارتقای روابط به همراه دارد. موفقیت به چه چیزی بستگی دارد؟ در وهله نخست، بسیاری از همکاری‌ها منوط به آینده توافق هسته‌ای و چگونگی پیشبرد آن است. موانع مهم دیگری که باید بر آن‌ها فائق شد عبارتند از: خودداری از استفاده از افغانستان به‌عنوان زمینه‌ای برای منازعه میان ایران و عربستان سعودی، ممانعت از بروز گاه به گاه اقداماتی در قبال مهاجران افغانستانی در ایران که زمینه‌ساز احساسات عمومی منفی در افغانستان شده است، و پرهیز از ورود افغانستانی‌ها به هر جنگ فرقه‌ای در افغانستان و خاورمیانه.

باید موانع مورد بحث در این مجال، به‌نحو مطلوبی مدیریت شوند، پیشرفت‌های محسوسی می‌تواند بر پایه اساسی‌ترین چالش‌هایی که منطقه دست به گریبان آن است صورت بگیرد: (۱) احیای اقتصادی منطقه، ارتقای مجدد روابط میان ایران، هند و پاکستان که می‌تواند فرصت‌های جدیدی را در زمینه اشتغال و رفاه در افغانستان از طریق تجارت و ترانزیت فراهم کند، (۲) مهار افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و تروریسم از طریق احیای ارزش‌های مشترک تمدنی، مذهبی، فرهنگی، فلسفی، ادبیات و تاریخی این منطقه.

مقدمه

جنگ در افغانستان، اغلب به‌عنوان امتداد رقابت، دشمنی و پویایی‌های امنیتی کشورهای پیرامونی افغانستان نگریده می‌شود. یکی از این رقابت‌ها که ظاهراً به زمین افغانستان کشیده شده است، در مجموعه امنیت منطقه‌ای خلیج فارس در جریان است: رابطه‌ای خصمانه میان ایران، قدرتی منطقه‌ای که در حال بهره‌برداری از مناقشه بر سر قابلیت‌های هسته‌ای

به نفع خود است و عربستان سعودی، که به‌طور روز افزونی ناامن‌تر شده، و مجبور به تکیه بر تضمین‌های امنیتی قدرت‌های خارجی در مقابل تهدیدات داخلی و منطقه‌ای است (۲۰۱۶، ۷).

این رابطه در چهار حوزه در جریان است:

رقابت بر سر سلطه بر امنیت منطقه‌ای، که منجر به اتهامات متقابل حمایت از تروریسم و شورش شده است، رقابت بر سر جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک که ریشه در هویت‌های مذهبی، ملی و ادعای رهبری جهان اسلام دارد، رقابت بر سر نفوذ سیاسی در منطقه، و رقابت اقتصادی، به ویژه در زمینه نفت.

این رقابت به خاک هم افغانستان کشیده شده و هر کدام از این دو کشور، حوزه‌های نفوذ خود را در رابطه با افغانستان دارند و به کمک‌های اقتصادی، حمایت از گروه‌های قومی و جوامع مذهبی مختلف (در امتداد شکاف سنی/شیعه)، و در نهایت تمایل به تأثیرگذاری بر روندهای سیاسی از جمله مذاکرات با طالبان را در بر می‌گیرد. از این زاویه، چنین به نظر می‌رسد که تنها هدف منافع ایران در افغانستان، امتداد رقابت‌های منطقه‌ای خلیج فارس است. با این حال، چنین برداشتی می‌تواند تفسیری تنگ‌نظرانه و محدود از منافع ایران در کشورهای شرقی خود، و افغانستان به‌طور خاص باشد. مجاورت جغرافیایی نقش مهمی در این رابطه ایفا می‌کند: مرز مشترک بین ایران و افغانستان، به معنای منافع استراتژیک مشترک از جمله مقابله با قاچاق مواد مخدر، مدیریت منابع مشترک آب و قانون‌مند ساختن مهاجرت پناهجویان و کارگران است. ایران بنابراین، صرفاً بازیگری امنیتی در این منطقه نیست، منافع دیگری وجود دارد که ابزارهای قدرت نرم ممکن است برای نیل به آن‌ها مناسب‌تر باشد.

در حال حاضر، در نتیجه طرح جامع اقدام مشترک (برجام) و لغو تحریم‌ها، چه فرصت‌های جدیدی برای تغییر رابطه میان ایران و جامعه بین‌المللی، که بر وضعیت منطقه اثرگذار باشد، وجود دارد؟ جایگاه جدید ایران در عرصه بین‌المللی، همراه با تغییرات داخلی، در دگرگونی روابط با افغانستان چگونه تأثیرگذار است؟ زمان مناسب برای توسعه همکاری‌ها ظاهراً فرا رسیده است. همکاری در امور نظامی، اطلاعاتی و اقتصادی بین ایران و افغانستان به واسطه یادداشت تفاهم اگوست ۲۰۱۳، هنگامی که حامد کرزای هنوز در قدرت بود و حسن روحانی تازه انتخاب شده بود، تحکیم یافت. چشم‌انداز روابط نزدیک‌تر بین دو کشور از طریق دیدارهای مقامات عالی‌رتبه به‌طرز روز افزونی گسترش یافته است. جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در ژانویه ۲۰۱۵ از کابل دیدار کرد و سپس اشرف غنی، رئیس‌جمهور افغانستان، در آوریل ۲۰۱۵ از تهران بازدید نمود و فرصتی برای بحث و گفت‌وگو در زمینه همکاری در امور تجارت، حمل و نقل، و توسعه زیرساخت‌ها فراهم شد. یکی از نتایج قابل توجه این دیدارها، تحقق پروژه مشترک بین ایران، هند و افغانستان برای توسعه بندر چابهار و اتصال افغانستان از طریق مرز ایران با دریای عمان بود.

این مقاله، راه‌های بالقوه‌ای را بررسی می‌کند که به‌واسطه آن‌ها افغانستان احتمالاً از بازسازی نقش ایران به‌عنوان همسایه‌ای مسئول، امن و قدرتمند سود خواهد برد. ، گشایش حاصل از توافق هسته‌ای برای همسایگان را می‌توان به پیروزی قدرت نرم و مدلی برای دیپلماسی، اصلاحات و اعتدال تعبیر نمود. اما مقاله حاضر هشدار می‌دهد که ایران برای به دست آوردن جایگاه مناسب در مقام همسایه‌ای قدرتمند و نیک‌خواه که می‌تواند عامل و اشاعه‌دهنده صلح در منطقه باشد، بر حسب لزوم باید از مشکلات و دشواری‌های خاصی اجتناب ورزد.

### تغییرات داخلی: مدل عمل‌گرایانه‌تر حکومت

توافق هسته‌ای، انگیزه‌های جدیدی برای اصلاحات در ایران و تقویت حوزه دموکراتیک قدرت فراهم نموده است. نتایج انتخابات مجلس شورای اسلامی در فوریه ۲۰۱۶ (اسفند ۱۳۹۴)، به ویژه در تهران که همه نمایندگان منتخب از اردوگاه اصلاح‌طلبان بودند، مؤید این امر است. ترکیب مجلس تا اندازه زیادی به نفع رئیس‌جمهور حسن روحانی تغییر کرد که به تازگی حمایت قاطبه طیف‌هایی را که گرایش‌های لیبرالی بیشتری دارند (از جمله نمایندگان مجلس، روزنامه‌نگاران اصلاح‌طلب، روشنفکران و توده مردم) به لطف موفقیت خود در حل و فصل پرونده هسته‌ای به دست آورده بود. ایشان در حال حاضر، با وعده مسلم تبدیل دستاوردهای دیپلماتیک به مزایای اقتصادی (با لغو تحریم‌ها)، با آزادی بیشتری به پی‌گیری اصلاحات در حوزه‌های مختلف می‌پردازد. این امر شامل گام برداشتن در راستای سیاست‌های داخلی باثبات‌تر، اصلاحات نهادی که می‌تواند راه را برای محیطی جذاب‌تر برای سرمایه‌گذاری خارجی باز کند و استراتژی پایدار تعامل سازنده با همسایگان ایران و نیز با کشورهای غربی و قدرت‌های در حال ظهور جهانی (کشورهای بریکس [۳] و سایرین) می‌شود. رئیس‌جمهور روحانی، بیش از هر زمان دیگری در گذشته، در جهت پیش گرفتن موضعی عمل‌گرایانه‌تر در ابعاد داخلی و بین‌المللی تواناست. این تغییرات در سطح سیاست خارجی، جایی که ایران درصدد تعقیب منافع امنیتی خود برمی‌آید، به احتمال زیاد عمل‌گرایی بیشتری را به دنبال خواهد داشت.

این عمل‌گرایی چگونه بر روابط با افغانستان تاثیر می‌گذارد؟ این اصلاحات و نیت‌ها به احتمال زیاد، ایران و افغانستان را به یکدیگر نزدیک‌تر می‌کند، به ویژه که آن‌ها - علی‌رغم تفاوت‌های ظاهری - ویژگی‌های مشترکی دارند:

هر دو وارث جامعه‌ای متنوع و چندلایه هستند که مذهب در مرکز آن جای دارد، اما متشکل از اقشار مختلف، طبقات (در مورد ایران) و قبایل (در مورد افغانستان) با سطوح اجتماعی-اقتصادی مختلف هستند.

هر دو کشور جمهوری اسلامی هستند، با نظام‌های حکومتی مبتنی بر دموکراسی رقابتی که در آن گروه‌های گوناگون اعم از روحانیون، رهبران قبیله‌ای و مذهبی، روشنفکران سکولار، گروه‌های جامعه مدنی، گروه‌های حامی حقوق زنان، صدای خود را در رسانه‌های مستقل پیدا می‌کنند.

هر دو سودای نیل به مدرنیته از طریق نهادسازی و مشارکت به‌عنوان یک اصل را دارند. هر دو کشور با این حال، برای

مشارکت در فرآیندهای سیاسی و اقتصادی نیازمند پیشرفت در شماری از حوزه‌ها، از جمله افزایش سواد و آموزش مدنی، ایجاد اشتغال و حصول اطمینان از توانمندی اقتصادی هستند.

ایران اگر در راستای سیاست خارجی عمل‌گرایانه‌تر و کم‌تر ایدئولوژیک گام بردارد، زمینه‌های مشترک فراوانی با افغانستان پیدا می‌کند. دولت‌های هر دو کشور با این همه، با وظیفه خطیر مدرنیزاسیون نظام‌های دموکراسی اسلامی و بازسازی اعتماد دولت-ملت به واسطه ایجاد انگیزه برای مشارکت در جامعه مدنی، توانمندسازی و مشارکت جوانان، تقویت نظام‌های پارلمانی و گسترش نقش احزاب سیاسی، مواجه هستند. هر دو کشور دارای اکثریت بزرگی از جوانان مشتاق برای شیوه‌های جدید مشارکت در حیات سیاسی و اقتصادی جوامع خود هستند. ایران و افغانستان اگر موفق شوند، می‌توانند مدلی از دموکراسی اسلامی ارائه دهند که بر پایه انرژی و پویایی قشر جوان بنا شده و می‌تواند راه سومی بین گزینه‌های اسلامی‌سازی عربستان سعودی و مدل‌های سکولار آمرانه در کشورهای آسیای مرکزی تلقی شود (۲۰۱۵).

هوشیاری و احتیاط ضرورت رسیدن به چنین موفقیتی است. ایران جهت برخورداری از مزایای حرکت مثبت برآمده از توافق هسته‌ای و انتخابات و نیز ترسیم تصویری موجه از خود در افغانستان، نیازمند آن است که از چندین خطر اجتناب کند. نخست، باید از هرگونه علاقه به مأمنی برای انتقال ایدئولوژی سیاسی به افغانستان جلوگیری کند. دوم، ایران در سطح دولت و جامعه، باید بیگانه‌هراسی و احساسات ضدافغانی را مهار کند.

تداوم تبعیض‌های آشکار و پنهان می‌تواند به تصویر ایران در افغانستان و منطقه آسیب برساند. ایران پذیرای میلیون‌ها پناه‌جو و کارگر مهاجر افغانستانی بوده (یک میلیون نفر طبق برآورد کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل و سه میلیون نفر بر مبنای گزارش وزارت کشور ایران) (۲۰۱۱)، اما از مزایای این اقدام بهره‌مند نشده است. مسائلی همواره بروز کرده‌اند که سبب شده هزینه‌های سنگین ایران بابت پذیرش مهاجران افغانستانی به شکل‌گیری تأثیر و قدرت نرم ایران در افغانستان نینجامد. ایران گویی از فقدان یک سیاست منسجم در قبال مهاجران افغانستانی که می‌توانسته اقدامات انسان‌دوستانه این کشور برای مهاجران را به قدرت نرم و تأثیرگذاری مثبت بر همه جامعه افغانستان تبدیل کند رنج می‌برد است. می‌توان امیدوار بود که خشم عمومی از تجاوز و قتل دختر شش ساله افغانستانی توسط یک مرد ایرانی در جنوب تهران که همگان را در فوریه ۲۰۱۶ شوکه کرد، عاملی برای فروکش کردن تدریجی احساسات تبعیض‌آمیز ضدافغانی باشد.

فرصت‌های اقتصادی گسترده

ایران و افغانستان از زمان سقوط طالبان شرکای اقتصادی پروپاقرص هم بوده‌اند و انتظار می‌رود که این رابطه در آینده نزدیک گسترش بیشتری پیدا کند. ایران از سال ۲۰۰۲ متعهد شده تا بیش از ۵۰۰ میلیون دلار در بخش‌های راه‌سازی، زیرساخت‌های انرژی و ساخت مدرسه ( , , , )

(۲۰۱۴) در افغانستان سرمایه‌گذاری کند، و بین ۲۰۰۷ و ۲۰۱۳ هر سال ۵۰ میلیون دلار صرف کرده است (۲۰۱۳). ایران هم‌چنین، یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان برق به افغانستان است به‌گونه‌ای که بخش زیادی از استان‌های غربی این کشور کاملاً وابسته به برق ایران هستند. گسترش روابط اقتصادی بر مبنای پیوندهای جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی، این پرسش را پیش می‌آورد که هر دو کشور در حال حاضر چگونه می‌توانند از گشایش ناشی از لغو تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران نفع بیشتری ببرند؟

در وهله اول، تلاش هماهنگ مورد نیاز برای حمایت از شتاب در هر دو بعد کمی و کیفی تجارت بین دو کشور در حال گسترش است. برای نمونه، در سال ۲۰۱۴ حجم تجارت بین ایران و افغانستان حدود ۲/۴ میلیارد دلار بود که ۲/۳ میلیارد دلار آن مربوط به صادرات کالاهای ایرانی به افغانستان بود (خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی آنا، ۱ اردیبهشت ۱۳۹۴).

صادرات ایران شامل حلال‌های شیمیایی (۲۲۶ میلیون دلار)، هیدروکربن‌ها (۲۲۱ میلیون دلار)، روغن‌های معدنی (۱۴۶ میلیون دلار)، شیرینی‌جات (۶۳ میلیون دلار) و نان (۵۶ میلیون دلار) است. صادرات افغانستان به ایران در مقابل به ارزش ۱۰ میلیون دلار بوده که شامل دانه کنجد، نباتات و پیله کرم ابریشم است. ایران در حال برنامه‌ریزی برای افزایش صادرات غیرنفتی به افغانستان و همچنین ارتقای نقشی است که بازارچه‌های مرزی ایفا می‌کنند، مانند آنچه که در استان خراسان رضوی در شمال شرقی ایران وجود دارد و نیز در حال افزایش سرمایه‌گذاری در خطوط تولیدی صنایع متوسط و کوچک افغانستان است. این تجارت مرزی بدون تردید به واسطه لغو محدودیت‌های بانکی که در چارچوب تحریم‌های بین‌المللی بر ایران تحمیل شده بود، تسهیل گردیده است. ایران به علاوه، امیدوار است که افغانستان را در طرح‌های برای انتقال سالانه ۸۰ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی به کشورهای آسیایی و اروپایی تا سال ۲۰۲۵ مشارکت دهد (۲۰۰۰، ۲۰۱۵). رئیس‌جمهور اشرف غنی در جریان سفر بهار ۲۰۱۶ (بهار ۱۳۹۵) خود به تهران وعده داد سرمایه‌گذاری ایران در بخش مواد معدنی افغانستان را تسهیل کند (خبرگزاری ماین‌نیوز، ۲ اردیبهشت ۱۳۹۴)، جایی که ایران می‌تواند از مزیت خود در قابلیت‌های فن‌آوری، که افغانستان فاقد آن است، بهره بگیرد و شرکت‌های بخش خصوصی ایران به خوبی آمادگی رقابت در مناقصه‌های استخراج آن را دارند و چنین تلقی می‌شود که از حمایت کافی دولت ایران برخوردار هستند.

دوم، برنامه‌ریزی برای ساخت بندر چابهار با حمایت هند، نقطه عطف مهمی است که تاکنون لغو تحریم‌ها به دنبال داشته است. دهلی نو و تهران در ماه آوریل ۲۰۱۵ یادداشت تفاهمی امضا کردند و هند متعهد شد که ۸۵ میلیون دلار برای ساخت پایانه‌های کانتینری و چندمنظوره در چابهار سرمایه‌گذاری کند (۲۰۱۵). هند، ایران و افغانستان در مه ۲۰۱۶، توافقنامه سه‌جانبه مشهور به توافقنامه چابهار را نهایی کردند. افغانستان به واسطه تنوع بخشیدن به فهرست شرکای خود فراتر از آسیای مرکزی و جنوبی از طریق بندری کاملاً در دسترس که به طور بالقوه حجم تجارت آن بالغ بر میلیاردها دلار خواهد بود، از این توافقنامه منتفع خواهد شد (۲۰۱۵). افغانستان از طریق این همکاری، به یک مرکز حمل و نقل دریایی بین‌المللی دسترسی خواهد داشت، ایران می‌تواند بازار بین‌المللی برای بخش انرژی خود را توسعه دهد و هند امنیت انرژی خود را ارتقا داده و به آسیای مرکزی با دور زدن پاکستان دسترسی پیدا کند. افغانستان، ایران و هند

همچنین منافع مشترکی در توسعه یک خط آهن برای حمل و نقل اکسید آهن و سایر مواد معدنی از ولایت بامیان به بندر چابهار و به هند و سایر بنادر دارند (۲۰۱۴، ۲۴، ۲۴). این قابلیت‌های تجاری نوپا لیکن باید با در نظر گرفتن تعادل مورد نیاز بین منافع اقتصادی و امنیت هر دو کشور ایران و افغانستان در هنگام تعامل با پاکستان و هند توأم باشد.

سوم، فرصت‌های موجود در پروژه‌های زیربنایی است. ساخت راه‌آهن مواصلاتی هرات به خواف قرار است در سال ۲۰۱۶ به پایان برسد که در مجموع ۱۹۱ کیلومتر است و ۱۲۴ کیلومتر آن در افغانستان قرار دارد. ایران برنامه‌ریزی زیادی برای توسعه خط ساحلی جنوب شرقی خود به منظور بهبود دسترسی به اقیانوس هند به واسطه پروژه‌ای به نام مکران از طریق ششمین برنامه توسعه پنج ساله انجام داده است. سرمایه‌گذاری‌های ایران در این خط ساحلی، فرصتی برای توسعه اقتصادی افغانستان فراهم می‌کند و همچنین این خط ساحلی توجه هند و نیز چین را جلب نموده است.

### تنش‌های آبی حل نشده

ایران و افغانستان علی‌رغم همکاری‌های خوبی که در چهار دهه گذشته در زمینه رودخانه‌های مرزی داشته‌اند و کمیسیون مشترک برای اجرایی کردن توافقنامه آبی میان دو کشور فعال بوده، اما یکی از مشکلات میان ایران و افغانستان مناقشه بر سر آب است. اختلافات از قرن ۱۹ بر سر تقسیم رودخانه هلمند شکل گرفت. آنچه که به عنوان مشکلی در قالب ترسیم مرز آغاز شد به معضل مدیریت منابع آب فرامرزی بدل گردید که شامل عمده منابع آب مشترک دیگر در حوضه آبریز هریرود-مرغاب نیز می‌شود. عدم توافق، بر زندگی و معیشت میلیون‌ها نفر از ساکنان دو سوی رودخانه اثر می‌گذارد. این مسئله همچنین خطرات محیط‌زیستی برای تالاب‌های سیستان به وجود آورده است. توسعه نیروگاه‌های برق آبی از جمله سد برق آبی سلما در امتداد رودخانه هریرود نیز به احتمال زیاد به افزایش تنش میان دو کشور می‌انجامد، چرا که این سد احتمالاً بر میزان آب در دسترس ایران تأثیرگذار است (۲۰۱۲). افغانستان طرح ساخت ۲۱ سد را در نقاط مختلف این کشور در دست دارد که برخی از آن‌ها بر رودخانه‌هایی است که دسترسی ایران به منابع آبی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، اول اسفند ۱۳۹۴). همکاری پایدار بیشتر بین ایران و افغانستان، مشروط به حل مناقشات آبی است که به حفاظت از محیط زیست شکننده شرق ایران کمک می‌کند و هم زمان شرایط را برای برطرف کردن نیازهای افغانستان به توسعه کشاورزی و امنیت غذایی مهیا می‌کند. این واقعیت را نباید از نظر دور داشت که کل اکوسیستم منطقه تحت تأثیر آب‌های سطحی ورودی از افغانستان است و هر گونه خسارت به این اکوسیستم در نهایت افغانستان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و از همین رو هر گونه همکاری در زمینه مدیریت پایدار منابع آب به سود دو کشور است. دوران پساتوافق هسته‌ای، فرصت مناسبی برای همکاری سازنده در مورد تقسیم آب به گونه‌ای است که نیاز هر دو کشور و از جمله تأمین حقابه‌های محیط‌زیستی - را برطرف سازد و از طریق ایجاد اکوسیستم‌های پایدار، منافع دو کشور در چارچوب بسته‌ای از همکاری‌های گسترده اقتصادی، فناورانه، امنیتی و محیط‌زیستی تأمین شود.

### تضمین‌های امنیتی



ایران پس از توافق می‌تواند فرصت‌های مناسبی برای پرداختن به تهدیدات امنیتی جدی فراهم نماید، تهدیداتی که کل منطقه و مشخصاً افغانستان را در معرض خطر قرار می‌دهند: نظامی‌گری، تجارت غیرقانونی فراملی و مهم‌تر از همه، افراط‌گرایی خشونت‌آمیز.

اول، توافق هسته‌ای می‌تواند الگویی برای حصول اطمینان از یک منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در خاورمیانه باشد. این توافق و کاهش تنش‌ها بین ایران و ایالات متحده از این نگرانی ایران که ممکن است ایالات متحده آمریکا از افغانستان برای حمله به سایت‌های هسته‌ای ایران استفاده کند کاسته است. برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به عنوان الگویی برای گفتگوی عمل‌گرایانه برد-برد، قدرت نرم ایران را تقویت کرده و به این کشور امکان می‌دهد که به نحوی سازنده به امنیت بلندمدت داخل و پیرامون افغانستان کمک کند.

دوم، با اینکه ایران به احتمال زیاد به یک مسیر ترانزیت جذاب برای تبادلات اقتصادی در منطقه و دسترسی به آب‌های گرم بدل خواهد شد، اما در عین حال باید تلاش‌های خود برای مهار و کنترل تجارت غیرقانونی فراملی در منطقه و به خصوص قاچاق مواد مخدر از طریق مرزهای افغانستان و پاکستان را شدت بخشد. ایران می‌تواند به طور بالقوه در مکانیسم‌های همکاری منطقه‌ای برای کنترل مرزی و تبادل اطلاعات مشارکت فعالانه‌تری داشته باشد؛ اما استراتژی‌های دفاعی خود را با رویکردی مبتکرانه مثل سرمایه‌گذاری در محصولات بدیل برای جایگزینی کشت خشخاش در زمین‌های افغانستان یا سرمایه‌گذاری در فرصت‌های اقتصادی ارتباطات مرزی برای مهار جاذبه قاچاق سودآور تکمیل کند.

سوم، ایران در فضای آزادتر پس از رفع تحریم‌ها می‌تواند به طور بالقوه نیرویی برای مبارزه با افراط‌گرایی ایدئولوژیک و مذهبی در منطقه باشد. با اینکه همکاری بالقوه ایران با ایالات متحده و متحدان آن در مبارزه با داعش در خاورمیانه و نیز افغانستان فی‌نفسه ایجاد فرصت می‌کند (۲۰۱۵)، ایران می‌تواند از قدرت هنجاری خود نیز برای تأمین الگوهای اسلام متساهل بهره‌گیرد. با توجه به منافع ملی ایران در مهار اشکال مختلف افراط‌گرایی سنی، از جمله ایدئولوژی سلفی و تکفیری در منطقه، آنانی که مورد آزار و اذیت داعش قرار گرفته‌اند، می‌توانند از حمایت ایران (البته بیشتر معنوی تا مادی) بهره‌مند شوند. ایران می‌تواند با روحانیون اهل سنت کار کند تا به توسعه برنامه آموزشی مدارس، آموزش و فتوای مذهبی برای مقابله با روایت‌های نفرت در منطقه کمک کند. برای مقابله با افراط‌گرایی می‌توان وجوه متساهل‌تر و معنوی‌تر از اسلام مثل صوفی‌گرایی (که خراسان بزرگ را به عنوان خاستگاه خود دارد) را تقویت کرد، همان کاری که در ترکیه و بوسنی هم انجام می‌شود. هر سیاست یا اقدامی که از ورود افغان‌ها به جنگ‌های قبیله‌ای در افغانستان و خاورمیانه حمایت کند، تصویر قدرت نرم ایران را خدشه‌دار خواهد کرد.

حمایت انحصاری ایران از جوامع شیعه افغانستان آن‌ها را در مخاطره قرار می‌دهد. ایران ممکن است منفعی در حمایت از حقوق قوم هزاره داشته باشد که بخش عمده‌ای از جمعیت شیعیان افغانستان را تشکیل می‌دهند، پیوندهای فرهنگی و مذهبی با ایران دارند، و ممکن است امیدوار به اتخاذ سیاستی فراگیر از جانب دولت رئیس‌جمهور اشرف غنی باشند، تهران اما اگر می‌خواهد قدرت خود را از طریق نمادپردازی شیعه نشان دهد، باید از استفاده از جوامع شیعه خودداری کند.

این مسئله، اقلیت‌ها را، خصوصاً در حال حاضر و با حضور داعش، بیشتر به مخاطره می‌اندازد. بدین منظور، ایران باید از کارت‌های بازی خود به درستی استفاده کرده و هر گونه تصور یا اتهام مبنی بر مداخله در درگیری‌های فرقه‌ای را از میان بردارد. ایران می‌تواند گفتمان مدارا، احترام متقابل و تفاهم بین‌المذاهب در میان جوامع شیعه و سنی، تأکید بر اصلاح و انطباق در اسلام و برجسته‌ساختن مدارا را احیا کرده و با قدرت بیشتری پیش ببرد. شعار اعتدال رئیس‌جمهور روحانی و ابتکار عمل پیشنهادی ایشان به سازمان ملل متحد مبنی بر جهان علیه خشونت و افراطی‌گری [۴]، از ابتکارات ارزشمندی هستند که شایان توجه بیشتری است. ایران در عین حال باید مراقب باشد که افغانستان و منطقه را در مشکلات خاص خود با عربستان درگیر نکند. این پیشنهاد زمانی که تلاش‌ها حول دستیابی به برجام متمرکز شد در حاشیه قرار گرفت. همچنین مفهوم گفتگوی تمدن‌ها که از جانب محمد خاتمی، رئیس‌جمهور اسبق (۱۹۹۷-۲۰۰۵) ارائه شد و در دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد (۲۰۰۵-۲۰۱۳) به دست فراموشی سپرده شد ظرفیت‌هایی برای قدرت نرم ایران ایجاد می‌کنند. ابتکار عمل جهان علیه خشونت و افراطی‌گری اگر با ظرفیت کامل احیا شود به‌ویژه اقبال بیشتری خواهد یافت.

ایران در عین حال باید مراقب باشد که افغانستان و منطقه را درگیر مشکلات خود با عربستان سعودی نکند. پس از حوادث ناشی از اعدام روحانی شیعه، شیخ نمر، توسط عربستان سعودی در ژانویه و حمله به سفارت عربستان در تهران، دولت وحدت ملی افغانستان با احتیاط به این تنش‌ها واکنش نشان داد. عبدالله عبدالله، رئیس‌اجرائی در حالی که اشرف غنی از اقدامات عربستان سعودی در یمن حمایت کرده است، به تهران سفر کرد. رقابت بین ایران و عربستان بر سر منافع اقتصادی، مذهبی، ایدئولوژیک و امنیتی اگر شدت یابد، لازم است که افغانستان در برنامه‌ریزی این مناقشه مورد استفاده قرار نگیرد. افغانستان ناگزیر است روابطش را با عربستان سعودی حفظ کند، در حالی که هم‌زمان پیوندهای استراتژیک خود با ایران را نگه می‌دارد. افغانستان، شبیه به سایر همسایگانش، نباید مجبور به جانبداری از یک طرف و شرکت در یک بازی بزرگ [۵] جدید در منطقه شود. رقابت بین ایران و عربستان می‌تواند برطرف می‌شود، اگر هر دو طرف منافع مشترک‌شان را در غلبه بر چالش‌های مشترک درک کنند که عبارتند از: افراط‌گرایی، ستیزه‌جویی، کاهش فرصت‌های اقتصادی، عدم رقابت جوانان در بازار کار جهانی، نظام آموزشی ضعیف، مسائل محیط‌زیستی و سایر مشکلاتی که توسعه‌یافتگی در منطقه غرب آسیا را تهدید کرده و به فرسایش تدریجی این منطقه می‌انجامند.

تشدید و ارتقای همکاری‌های سیاسی، استراتژیک و اقتصادی بین ایران، افغانستان و هند، در نهایت می‌تواند قدرت چانه‌زنی برای افغانستان به وجود بیاورد و به توازن نفوذ پاکستان در افغانستان کمک کند و پیامدهای مثبت امنیتی به دنبال داشته باشد.

## احیای فرهنگی

احیای قدرت نرم ایران را می‌توان برپایه ایران‌پارسی به‌عنوان هویتی تمدنی به جای هویت ستیزه‌جویانه و انحصارطلب شیعی و ضدغربی در سیاست امنیت ملی و خارجی ایران استوار ساخت. رنسانس ایران‌پارسی می‌تواند به افغانستان و

برخی از کشورهای آسیای مرکزی برای بازیابی بخش‌هایی از هویت و میراث پارسی‌شان یاری رساندند. [۶] تأکید بر ایران پارسی می‌تواند انگیزه‌ای برای احیای میراث خراسان بزرگ و باز پس گرفتن نمادهای آن از داعش باشد که مدعی استانی جعلی در افغانستان با عنوان ولایت خراسان شده است. احیای میراث فرهنگی مشترک در منطقه می‌تواند در تقابل با تداعی افراط‌گرایانه نام خراسان ادعاشده توسط داعش باشد، و در این چارچوب کشورهای هم‌فکر منطقه به سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش مدرن، فرهنگ و پروژه‌های مبتنی بر فن‌آوری در منطقه، با حمایت جدی و قاطع ایران نیازمندند.

ایران، ترکیه، عربستان سعودی و پاکستان به علاوه هندوستان و قزاقستان برخی از کشورهای بزرگ منطقه هستند که در نظام آموزشی افغانستان سرمایه‌گذاری کرده‌اند. عربستان سعودی و پاکستان در حالی که به حمایت از مدارس افراط‌گرایی سنی در افغانستان و استفاده از دستورکارهای مذهبی طالبان برای تحت فشار گذاشتن دولت افغانستان شهره‌اند، سایر کشورها در نظام آموزشی سکولار به امید تربیت و تأثیرگذاری بر نخبگان و دیوان‌سالاران آتی افغانستان، سرمایه‌گذاری کرده‌اند. ایران، انگیزه‌های قوی‌تری از بقیه کشورها برای مهار افراط‌گرایی در مدارس و برنامه آموزشی دینی دارد، زیرا که به‌طور مستقیم تحت فشارِ رواج ایدئولوژی تکفیری در منطقه است. ایران به همین باید بیشتر در یک نظام آموزشی مدرن سکولار در افغانستان از جمله حمایت از آموزش عالی در داخل این کشور و نیز ارائه کمک هزینه تحصیلی به دانشجویان افغانستانی در دانشگاه‌های خود سرمایه‌گذاری کند.

شمار بیشتری از دانشجویان افغانستانی، با توجه به شباهت زبانی و هزینه اندک، دوست دارند در دانشگاه‌های ایران تحصیل کنند و دولت‌های ایران و افغانستان به همکاری با یکدیگر برای ایجاد چارچوبی برای همکاری بیشتر در زمینه مبادلات علمی و آموزشی نیاز دارند. ایران نقش مهمی در ترویج جهت‌گیری سیاست فرهنگی پارسی‌گراتر در افغانستان و مخالفت با سیاست فرهنگی مذهبی/ایدئولوژیکی ایفا می‌کند و با این کار پیوندهای مردم - با - مردم و باز کردن راه برای افغانستانی باثبات‌تر را که در آن گروه‌های افراطی کم‌تر زمینه مستعدی برای رشد و گسترش بیابند، تقویت می‌کند.

هوشیاری و احتیاط در این عرصه نیز لازم است. ایران به امپریالیسم فرهنگی در افغانستان به دلیل حمایت آشکار خود از تلویزیون تمدن، شبکه تلویزیونی‌ای که به‌طور منظم برنامه‌های ایرانی پخش می‌کند و راه فردا، شبکه دیگری که متعلق به محمد محقق رهبر هزاره‌های شیعه است، متهم می‌شود. اعتراضاتی در سال ۲۰۱۵، از جانب شماری از سازمان‌های جامعه مدنی افغانستان صورت گرفت که خواستار پایان دادن به تهاجم فرهنگی ایران در افغانستان بودند و برای نمونه یکی از این اعتراضات از سوی حزب غورزنگ ملی [۷] در ماه مه برگزار شد. نگرانی‌هایی از انتشار متون مذهبی شیعه مطرح شده است. قدرت نرم ایران در افغانستان به‌طور کلی می‌تواند کم‌تر در قالب مذهبی و بیشتر بر پایه ایران پارسی طرح‌ریزی شود.

همکاری با غرب

لغو تحریم‌های غرب بدون شک راه را برای سرمایه‌گذاری‌های بیشتر ایران در افغانستان باز می‌کند و ظرفیت‌های مختلفی را برای کمک ایران به نیروهای ائتلاف و جامعه بین‌المللی در راستای موفقیت در تلاش‌های آنان برای ثبات در افغانستان ایجاد می‌کند. ایران در جبهه اقتصادی، از طریق سازوکارهای چندجانبه، بهتر می‌تواند پروژه‌های کمک به توسعه‌اش را هماهنگ کند. ایران تعهدی ۵۴۰ میلیون دلاری را برای کمک به بازسازی افغانستان در یک کنفرانس کمک مالی در سال ۲۰۱۲، اعلام نمود.

انتظار همکاری بین طرفین در جبهه امنیتی نیز وجود دارد. ایران با توجه به اینکه احساس می‌کند که پس از توافق هسته‌ای کمتر در معرض تهدید است، ممکن است در موقعیت بهتری برای مشارکت در همکاری‌های دوجانبه و بین‌المللی با کشورهای غربی برای شکست افراط‌گرایی که در افغانستان و خاورمیانه ریشه دوانده، قرار بگیرد. [۸] ایران در این چارچوب، دلایل اندکی برای ترس از این مسئله دارد که ایالات متحده و ناتو از افغانستان به عنوان پایگاهی جهت حمله نظامی به قلمرواش استفاده کنند. ایران و ایالات متحده در مذاکرات سال ۲۰۰۱ که به توافقنامه بن برای افغانستان انجامید، با هم همکاری نمودند و تهران به جان کری، وزیر امور خارجه ایالات متحده برای تشکیل دولت وحدت ملی افغانستان در سال ۲۰۱۴ کمک کرد. [۹] این دو کشور می‌توانند آشکارا در روند آشتی و ترغیب مذاکره بین دولت و طالبان همکاری کنند.

#### نتیجه‌گیری

رئیس‌جمهور اشرف غنی در جریان سفر به ایران در آوریل ۲۰۱۵ بر اهمیت همکاری در مسائل مربوط به مبارزه با تروریسم، مهار تجارت مواد مخدر، پناهجویان، روابط اقتصادی و حمل و نقل تأکید کرد. لغو تحریم‌های ایران، فرصت‌های بسیاری برای ارتقای روابط در تمامی این حوزه‌ها به وجود آورده است. موفقیت در این مسیر همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد، نیازمند پیش شرط‌هایی است.

در وهله اول، بسیاری از همکاری‌ها منوط به آینده توافق هسته‌ای و چگونگی پیشبرد آن است. با فرض اینکه برجام به مدت حداقل دو دهه جاری باشد، پیامدهای عمیقی در باز کردن فضای سیاست داخلی و بهبود وجهه ایران در جهان خواهد داشت و به نوبه خود انگیزه‌های جدیدی برای ارتقای روابط ایران افغانستان فراهم می‌کند. قدرت نرم ایران در فضای جدید بالقوه همکاری‌جویانه‌تر، می‌تواند برجسته‌تر شود. یکی از نتایج فرعی توافق هسته‌ای، کاهش تنش میان ایران و آمریکا خواهد بود که این امر می‌تواند زمینه را برای همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی مؤثرتر در کنترل تجارت مواد مخدر، مهار تروریسم و توسعه مسیرهای تجاری فراهم کند. تحقق این فرصت‌ها البته مستلزم آن است که برجام از دست مخالفان داخلی هم در ایران و هم در ایالات متحده نجات یابد.

گذشته از بقای توافق هسته‌ای، باید بر موانع مهم دیگری فائق شد تا از ارتقای روابط میان ایران و افغانستان اطمینان حاصل شود. رقابت پیوسته ایران و عربستان سعودی در خاورمیانه می‌تواند در افغانستان نیز بازتاب داشته باشد و دامنه

این اختلافات به آنجا هم کشیده شود. رقابت فروکش نمی‌کند تا زمانی که دو کشور ایران و عربستان سعودی درک کنند که مزایای بیشتری در همکاری وجود دارد (در مبارزه با افراط‌گرایی، در سرمایه‌گذاری مشترک در اقتصاد منطقه، در ارتقای نظام آموزشی، در هماهنگی باری استخراج نفت و قیمت‌گذاری و غیره) تا در مناقشه بر سر ایدئولوژی‌های فرقه‌ای کهن که واقعاً مانع پیشرفت هستند. برخی رخدادهای ناگوار برای مهاجران افغانستانی در ایران که زمینه‌ساز احساسات عمومی منفی در افغانستان شده، می‌تواند مانع ارتقای روابط دولت-با-دولت شود. ایران می‌تواند از سابقه کمک‌های انسان‌دوستانه خود به مهاجران افغانستانی بهتر استفاده کند اگر سیاست منسجمی در قبال مهاجران داشته باشد. ترتیبات تقسیم آب بین ایران و افغانستان و همکاری در پایدارسازی محیط‌زیست منطقه نیز فرصت‌هایی برای همکاری ایجاد می‌کند.

موانع پیش‌گفته باید به‌طور موفقیت‌آمیزی مدیریت شوند تا پیشرفت‌های محسوسی در بیشتر چالش‌های بنیادی که منطقه با آن دست به‌گریبان است، حاصل شود. مبرم‌ترین چالش یعنی احیای اقتصادی منطقه، می‌تواند با ارتقای روابط تازه بین ایران، هند و پاکستان حل و فصل شود. این امر می‌تواند فرصت‌های جدیدی در زمینه شغل و رفاه در افغانستان از طریق تجارت و ترانزیت فراهم کند. همچنین باید در نظام آموزشی سرمایه‌گذاری‌هایی به منظور تربیت نسل‌های جدیدی که قادر به رقابت در بازارهای جهانی باشند، صورت بگیرد. دیگر چالش مهم منطقه‌ای نظیر مهار افراط‌گرایی خشونت‌آمیز و تروریسم، نیازمند تلاش‌های هماهنگ کشورهای منطقه برای احیای ارزش‌های مشترک تمدنی این منطقه است که راهبردهای صلح‌آمیزی برآمده از دین، فرهنگ، فلسفه، ادبیات و تاریخ مشترک این ناحیه فراهم می‌آورد. ایران عمل‌گراتر و میانه‌روتر باید تأکید بیشتری بر سیاست‌های تمدنی پارسی‌گرایانه به جای سیاست‌های ایدئولوژیک/مذهبی داشته باشد. با انجام این مهم، انگیزه بیشتری برای ظهور قدرت نرم فراهم می‌شود و منجر به نگرش مطلوب‌تری در میان نخبگان افغانستانی و سایر منطقه می‌شود.

منابع و مآخذ

خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی (آنا)، (۱۳۹۴). مبادلات تجاری ایران و افغانستان چگونه است؟ [خبر]. بازیابی شده در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۴، از



, [ : ]. ۲۴. ۲۰۱۴, ۲۴. ://.۲۴.//  
, (۲۰۱۱). . ۲۰۱۱, ://.////۰۳.  
, (۲۰۱۳). : . (). ۲۰۱۳, ://.////۱۳.

, (۲۰۱۵). - . . ۲۰۱۵, , ۸. ://.//-----/-۱۸۴۳۹۹۳۷

, (۲۰۱۵). , : , . ۲۰۱۵, , ۲۹. ://.//-----//۴۶۷۳۱۳۳۶.  
, (۲۰۱۵), : - , . ۲۰۱۵, , ۲۲. ://.//۲۰۱۵/۰۷/-----۵۰۷۲۲۰۷۵۱۰۹۹۲۵.  
, , , , , , (۲۰۱۴). : .. , . ۲۰۱۴, ://.//////۶۰/۶۱۶/۶۱۶.  
: . . , ۲۰۱۵, , ۲۰. ://.//.=۱۳۹۳۱۰۳۰۰۰۱۰۰۵  
/ - . . ۲۰۱۵, , ۲۹. ://.//۲۰۱۵/۰۷/-----

[۲]

[۳] -

[۴]

[۵]

بازی بزرگ نامی است که به رقابت‌های سیاسی و نظامی دو امپراتوری بزرگ بریتانیا و روسیه تزاری در آسیای مرکزی داده شده است. این عبارت پس از رمان کیم نوشته رودیارد کیپلینگ سر زبان‌ها افتاد. مسابقات سایه‌ها عنوان دیگری است که به رقابت‌های میان این دو ابرقدرت زمان در مناطق آسیای مرکزی شامل؛ افغانستان و ایران و سایر امیرنشین‌ها یا خان‌نشین‌های این مناطق داده‌اند. این رقابت‌ها از اوایل قرن نوزدهم یعنی تقریباً پس از معاهده گلستان مابین روسیه و ایران شروع شد و تا سقوط امیرنشین بخارا و پس از آن، تا انقلاب اکتبر روسیه ادامه داشت. این عنوان به‌طور غیر رسمی پس از جنگ دوم جهانی و وضعیت پسااستعماری آن در توصیف طرح‌های ژئوپلیتیک ابرقدرت‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای زمان به‌عنوان حوزه نفوذ ژئوپلیتیکی در مناطق ایران و افغانستان داده شد.

[۶] ..

[۷]



[۸] در حال حاضر، ایران از همکاری با کشورهای غربی در مهار داعش و دیگر گروه‌های تروریستی در خاورمیانه امتناع می‌کند.

[۹] همان‌طور که مایکل کوگلمن می‌نویسد: در کنفرانس بن در سال ۲۰۰۱، این ایران بود که به بن‌بست بر سر ترکیب اولین دولت افغانستان پس از طالبان خاتمه داد. چند سال بعد، طبق گفته‌های باربارا اسلاوین روزنامه‌نگار، ایران نقشه‌ی مواضع طالبان در افغانستان را به واشنگتن داد و پیشنهاد نمود که ۲۰ هزار نفر از نیروهای افغانستانی را به عنوان بخشی از پروژه آمریکایی بازسازی ارتش افغانستان آموزش دهد (۲۰۱۵، ۲۹، ).